

حکومیتی یامجو و حاشیه سوستگر

بکی آن موجوین: وقتی تان را
زندن، من احساس کردم جزی توی
سرم فرو و فتوکی نفر نشست یقمهام
را گرفت و بیرون انداخت.

بیرونی که ۴ فرزنش بخاطر چه
شدن گای در کرخه ازین رفته
بودند هی نفت: آنکه شط که
رسیدم، عراقی هارگبار استند
و گردن شوهرم مثل گوشنی که
سرش را من برند، شروع کرد به
قلقل زدن.



مشهد

ایران

بنده مشهد

